

## هشتاد و پنجمین سالروز تولد نادر ابراهیمی فرص

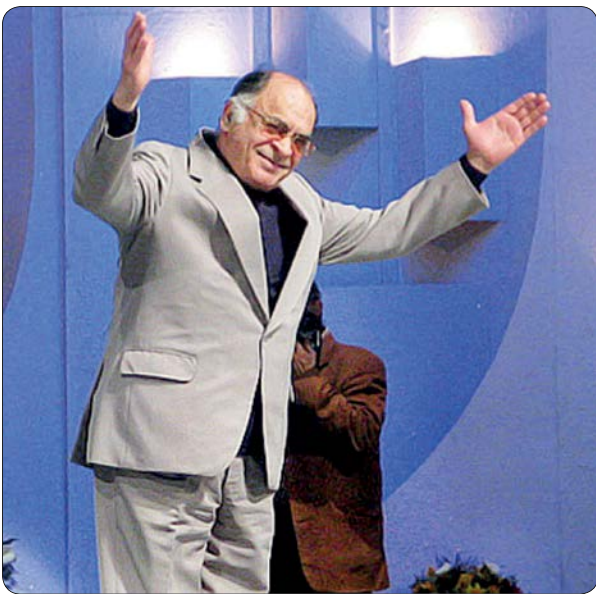
## هنر



## یک دیدار و یک تقدیم‌نامه

آنهایی که «آتش بدون دود» این نویسنده را خوانده باشند در ابتدای جلد چهارم این کتاب تقدیم‌نامه‌ای می‌بینند که در چاپ‌های بعدی به ابتدای جلد اول آمده است با این مضمون: «پیشکش به بزرگی که به درستی، خلوص، و بزرگی باورش کرده‌ام؛ به مردی که مرا به نوشتن الباقی آتش بدون دود واداشت. نامش برای این خاک، مبارک باد و برای همه عاشقان وطن! و ای کاش زمانی برسد که او، همچنان باشد و دیگر درد نباشد و ایرانی دردمند هم»، این خطوط را ابراهیمی برای فردی ناشناس نوشته و اشاره‌ای به نام آن فرد نکرده است و تا سال‌ها روشن نبود که چه کسی بوده که ابراهیمی را به نوشتن دنباله آتش بدون دود واداشته و ترغیب کرده است تا این که مستند «بار دیگر مردی که دوست می‌داشتیم» پخش شد و بر همه روشن شد که این مقدمه و پیشکش در واقع به محضر رهبر انقلاب بوده است. ایشان که سه جلد ابتدایی این رمان را خوانده بودند پس از انقلاب نادر ابراهیمی را به ادامه نگارش این رمان ترغیب کرده بودند و شد آنچه امروز می‌بینیم!

## محمد نوری، نادر ابراهیمی و ایران!



«ما برای این که خاک ایران خانه خوبان شود...» شعری است که با صدای محمد نوری در خاطر داریم، صدای مخملی که ترانه‌های بسیاری از او را در ذهن داریم ولی این ترانه چیز دیگری است، وقتی می‌شنویم لبریز از حس غرور می‌شویم و دلمان می‌خواهد آن را زمزمه کنیم و ته دلمان برایش قند آب می‌شود به‌خصوص وقتی محمد نوری آن را با آن صدای عمیق و صاف طوری با صلابت می‌خواند که شنونده را غرق در حیرت و شگفتی می‌کند. شاید جالب باشد اگر بدانید ترانه این قطعه به یاد ماندنی را نادر ابراهیمی سروده است.

بله درست خواندید، نادر ابراهیمی! او فقط نویسنده نبود، شاعر و فیلمساز هم بوده و این ترانه یکی از ترانه‌هایی است که از او شنیده‌ایم و شاید اثر صدای محمد نوری در جاودانه شدن این ترانه کم نباشد. همیشه همنشینی کلام و موسیقی سبب ماندگاری بیشتر آن می‌شود.

نام نادر ابراهیمی برای بسیاری این روزها به‌خصوص آنهایی که اهل خواندن هستند نام شناخته‌شده‌ای است، شناخته‌شده از این حیث که او چند سالی است تبدیل به یکی از نویسندگان پرفروش و محبوب مخاطبان داستان‌های فارسی شده و حتی برخی سبک و سیاق نویسندگی او را دنبال می‌کنند.

نادر ابراهیمی را با آثار مختلفی می‌توان یاد کرد که هرکدام رنگ و بو و طعم متفاوتی دارند. آثاری که هرکدام را می‌خوانی، می‌بینی با قبلی فرق داشت و رد تازه‌ای در حافظه ادبی شما به جا می‌گذارد. آثاری که هر خواننده‌ای با آنها روبه‌رو شده اعتراف کرده اثری متفاوت و تازه را خوانده که نمونه‌اش را در ادبیات داستانی سراغ نداشته است. او را باید نماد نویسنده متعهد و البته مستقل داستان فارسی دانست. نویسنده‌ای که بعید نیست به دلیل برخی آثار و بروز عقایدش او را از دایره خارج و بایکوت کرده باشند. نویسنده‌ای که زیر بیرق هیچ جریانی نرفت و اگر حرفی زد از روی باورش بوده و ارتباطی با وابستگی‌های مرسوم در جهان ادبیات و فرهنگ نداشته است.

نادر ابراهیمی در زمان حیاتش بعد از بیان عقایدش خیلی در محافل مطرح نشد ولی بعد از مرگ و به‌خصوص با آمدن نسل تازه‌ای از مخاطبان و کسانی که شیفته نثر ابراهیمی بودند تبدیل به نویسنده‌ای شد که بسیاری را به او در نوشتن اقتدا کردند یا با علاقه آثارش را دنبال کردند و طبقه‌ای از کتابخانه خود را به نام او و آثارش کردند و دیگران را در آن راه ندادند؛ دیگرانی که در زمان حیات نادر او را تنها گذاشتند و زبانش را زبان متناسب زمان ندانستند و سعی کردند او را بابت عقایدش به این شیوه تنبیه کنند و از خاطره‌ها کنار بگذارند ولی مخاطب ثابت کرد که او تعیین‌کننده تناسب یا عدم تناسب فرم و زبان و بیان است. امروز در کمتر کتابفروشی کارهای او را نمی‌بینید که روی میز پرفروش‌های کتابفروشی قرار ندارد و این به آن معناست که مخاطب برخلاف رسم جاری در محافل ادبی انتخاب می‌کند و خیلی تحت تأثیر فضا سازی‌ها و حواشی نیست. حالا تقریباً ۱۳ سال از روزی که نادر چشم از جهان فرو بسته می‌گذرد (۱۶ خرداد ۱۳۸۷) که اگر بود امروز می‌توانستیم تولد ۸۵ سالگی‌اش را تبریک بگوییم. او که متولد ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ خورشیدی است یکی از نویسندگانی است که نوشتن اصلی‌ترین فعالیت هنری‌اش محسوب می‌شده در حالی که در ترانه‌سرایی و فیلم‌سازی و ... نیز کارهایی انجام داده که او را تبدیل به یک هنرمند فعال و پرکار کرده است. در این شماره که به مناسبت هشتاد و پنجمین سالروز تولد نادر ابراهیمی گرد آمده، مروری بر آثار و فعالیت‌های او کرده‌ایم تا از این طریق اگر تاکنون اثری از او نخوانده‌ایم با برنامه سراغش برویم و اگر هم کاری از نادر ابراهیمی خوانده‌ایم نکاتی درباره او، آثار و فعالیت‌هایش بدانیم و گوشه ذهن داشته باشیم.

## شما چرا ترسیدید؟

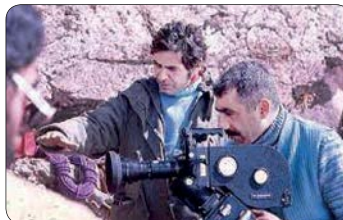


«همه سؤال می‌کنند چه شد نادر ابراهیمی راجع به امام نوشت و خیلی‌ها برداشت می‌کنند که او در شرایطی که امام در صدر نظام قرار گرفتند اقدام به نگارش این اثر کرد» این جملات را خانم فرزانه منصوری، همسر نادر ابراهیمی، بیان کرده و به دلیل و زمینه نگارش رمان «سه دیدار» اشاره کرده است.

«نادر ابراهیمی زمانی که ما به آیت‌... خمینی می‌گفتیم «امام» این اثر را آغاز نکرد او از پانزده خرداد ۱۳۴۲ یعنی در چنین روزهایی از مردم مبارز بود و به دنبال این بود که این مرد

را بشناسد. ابراهیمی از خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۷ آنچه را که راجع به امام می‌نوشتند پیگیری می‌کرد، حرکت‌هایی که انجام می‌دادند را پیگیری می‌کرد و کم و بیش با زندگی ایشان آشنا بود و در سال‌های مبارزات اعلامیه‌ها را می‌نوشت بدون این که امام را دیده باشد. در خاطر هم هست که سال‌های اول انقلاب همسر من را موظف کرده بود آنچه را که در روزنامه‌ها و مجله‌ها درباره مبارزات مردم و کارهای حضرت امام که خارج از کشور انجام می‌دادند، می‌نوشتند، از روزنامه‌ها جدا کنم و در اختیارش بگذارم. او اینها را می‌خواند و جمع‌آوری می‌کرد برای این که این مرد را بهتر بشناسد. تحقیقات او طی ۱۶-۱۷ سال تکمیل شد و زمانی رسید که یکی از آقایانی که در حوزه هنری بودند، متوجه تحقیقات و شناخت ایشان درباره امام خمینی به‌عنوان یک مبارز شد که هرگز از دفاع از حقوق مردم ایران کوتاه نیامد و هیچ باجی به سراسر دنیا نداد. ابراهیمی درباره چنین مردی تحقیق کرد و به او علاقه داشت. وقتی به او پیشنهاد کردند حالا که این همه تحقیق داری بیا و درباره امام بنویس، او هم شجاعت کرد و نوشت در حالی که تاریخ نشان می‌داد که آیا قهرمان واقعی ملت ایران امام خمینی است یا نه. بسیاری از ما این اعتقاد را داریم و نادر ابراهیمی این اعتقاد را داشت و نوشت و به دلیل این اثر از او روی برگرداندند. اما او گفت من اثری را که به آن اعتقاد داشتم نوشتم. شما چرا ترسیدید؟!»

## نادر پشت دوربین



فیلم‌سازی و همکاری نادر ابراهیمی با تلویزیون از دیگر نکاتی است که درباره کارنامه و فعالیت هنری و حرفه‌ای او باید به آنها اشاره شود. رمان عظیم آتش بدون دود زمانی که هنوز جلد‌های چهارم تا هفتم آن نوشته نشده بود، پیش از انقلاب سریال هم شده بود و از تلویزیون پخش گردید. سریالی که در زمان خودش از آن کارهای خیابان خلوت‌کن بوده و مردم را پای گیرنده‌های اغلب سیاه و سفید

روزگارشان می‌نشانده است. «سفرهای دور و دراز‌های و کامی در وطن» نیز اسم برنامه‌ای تلویزیونی بود که نوجوان‌های پیش از انقلاب که به تلویزیون دسترسی داشتند احتمالاً تصویر آن را به خاطر بیاورند. اتفاقاً آن آهنگ معروف که زنده‌یاد نوری آن را خوانده (و نقلش را در ستون روبه‌رو آورده‌ایم) روی تیتراژ همین برنامه خوانده شده بود. برنامه‌ای ویژه کودک و نوجوان که در آن دو نوجوان سفرهای بسیاری برای شناخت سرزمین مادری خود انجام می‌دهند که در زمان خود یکی از برنامه‌های پیش‌رو و موفق تلویزیون محسوب می‌شده است.